

سایت «رزمندگان» در خدمت زحمتکشان افغانستان

دست اندر کاران محترم سایت مبارز رزمندگان!

نشرات سایت

زمنندگان

(www.razmendagan.com)

(را به شما و تمام زحمتکشان فقیر و تهیدست کشور تبریک گفته و آرزو می کنیم تا سایت شما بتواند روزنه خوبی باشد برای بیان واقعیت ها و انعکاس دردها و مشکلات مردم افغانستان، به خصوص زحمتکشان کشور.

زحمتکشان تهیدست و نادار افغانستان طی قرن ها و بخصوص در دهه های اخیر رنج های فراوانی را از اثر جنایت، خیانت و ستمی که از سوی اشغالگران، بنیادگرایان و ستمگران صورت گرفته است، متحمل گشته اند. فریاد این محرومان و

زحمتکشان همواره در گلو خفه شده و کمتر انعکاس یافته است. آنانیکه که در گذشته خود مسبب تیره روزی، بدبختی و جنایت در کشور بوده اند، با غصب دارایی های مردم و وابستگی شان با کشور های بیرونی امروز نیز صاحب امکانات زیاد بوده و هنوز هم با دیده درایی از گذشته پر از ننگ شان دفاع می کنند. شمار دیگری تنور ستمگرایی و قومگرایی را گرم ساخته رسیدن به اهداف شخصی خود می سازند. در مقابل اکثریت مردم افغانستان که از مصیبت فقر، بیکاری، انفجار، انتحار، اعتیاد، امراض گوناگون و دها جنایت دیگر رنج می برند، با گذشت هر روز در زندگی دوزخی فرو می روند، فعالیت سایت های مبارزی چون رزمندگان که از

حمایت نیروهای خوش نام سیاسی و طرفدار زحمتکشان برخوردار باشند و دردهای زحمتکشان کشور ما و راه رهایی آنانرا به شکل واقعی انعکاس دهند، به فال نیک نگریسته شده، پیروزی ها و موفقیت های بیشتر آنرا خواهیم.

سایت رزمندگان که از نشراتش میتوان به اهداف خوب آن پی برد، نویدی خوبیست برای تمام زحمتکشان کشور و بخصوص آن عده از زحمتکشانی که می توانند با زبان ساده و کلمات ساده دردها، رنج ها و نظرات شان را بیان کنند تا از طریق این سایت خوب مطالب ارزشمند و مفید خود را به نشر برسانند و سایر زحمتکشان را از وضعیت و چگونگی زندگی دردناک شان باخبر بسازند و درد های مشترک شان را به نیروی

انجمن اجتماعی زحمتکشان افغانستان

۲۹ قوس ۱۳۹۱ ★

یازده سال کشتار برای «دموکراسی» با فروش کودکان زحمتکشان ادامه دارد!

با گرد آوری پول کودکان هر دو پدر را دو باره به آنان برگشتاندند. فروش کودکان زحمتکشان و بخصوص فروش دو کودک در ماه جدی امسال، نشان می دهد که وضعیت زحمتکشان در «دموکراسی» امریکایی به چه اندازه وحشتناک و دردناک شده است. ما زحمتکشان «دموکراسی» ایی را نمی خواهیم که در آن کشته شویم و اولاد و کودکان خود را به خاطر فقر و ناداری به فروش برسانیم. ما دموکراسی ایی می خواهیم که همه

قاضی ها، سارنوالان، اینجو داران و غارتگران فایده و سود دارد و گاو شیری آنهاست. زحمتکشان می میرند، کشته می شوند، نادار و تهی دست پشت کار می گردند، گرسنگی می کشند، اما سرمایه داران چاق و چله می گردند، غارت می کنند، چپاول می کنند و حمایت دولت و خارجی ها دست های آنان را در غارت بیشتر زحمتکشان باز گذاشته است.

قصه کاکا روف در ولایت بلخ در ولسوالی دهدادی نمونه واضح زندگی فقیرانه زحمتکشان ماست. انسانی زحمتکش، با چهره پر از درد که ناچار می شود به خاطر گرسنگی عزیز ترین کودک خود، کودک دوساله را در برابر ۲۶ هزار افغانی به

فروش برساند. قبل بر این یک پدر دیگر در ولایت پروان کودک سه ماهه اش را در برابر ۷ هزار افغانی به خاطر خرید یک خروار چوب به فروش رساند، اما سایر زحمتکشان

زیار

د زیار کښانو هنداره



کار، نان، لباس، خانه برای زحمتکشان

جدي ۱۳۹۱

انجمن اجتماعی زحمتکشان افغانستان

شماره یازدهم

نوزدهم جدی، بیش از سه صد و پنجاه زحمتکش رگبار شدند، یاد این شهیدان عزیز را گرامی می داریم!

۱۲ سال پیش از امروز در یک معامله جنایتکارانه طالبان و تنظیم جهادی بیش از سه صد و پنجاه زحمتکش در ولسوالی یکاولنگ، ولسوالی انسان های زحمتکش، ولسوالی دهقانان تهیدست و کارگران با غرور، تیرباران شدند. این سه صد و پنجاه جوان که همه فرزندان خانواده های دهقانان، کارگران و سایر زحمتکشان بودند، نه با طالبان ارتباط داشتند و نه هم با تنظیم مسلح منطقه که برای قدرت تنظیمی می جنگید و می کشت و ثروت اندوزی می کرد.

سه صد و پنجاه جوان زحمتکش نادار و فقیر از خانه های شان بوسیله طالبان کشیده می شوند، دست های زمخت کارگری و دهقانی شان از پشت با ریمان بسته می شوند و بعد با بیرحمی رگبار می شوند. این اولین قتل عام انسان های زحمتکش در

کشور ما نیست. در بیش از سی و چهار سال گذشته دشمنان بیرحم زحمتکشان، هر کدام در قتل های دسته جمعی هزاران زحمتکش را به رگبار بسته اند و کشته اند و هنوز سلسله این قتل عام ها بوسیله طیاره های امریکایی و ناتویی ادامه دارد.

یکاولنگ در نوزدهم جدی، به ماتم می نشیند. مادران، خواهران، همسران، فرزندان و کودکان این زحمتکشان شهید، اشک می ریزند و قلب های پر درد شان در آرزوی روزی می تپد که همه زحمتکشان آزاد باشند و در برابری و برادری زندگی کنند و هیچ غارتگر و ستمگر و ظالم جرئت و توان غارت و چپاول

انجمن اجتماعی زحمتکشان افغانستان که در آن زحمتکشان تمام ملیت های پشتون، تاجیک، ازبیک، هزاره، ترکمن، سید، پشه ای، نورستانی، بلوچ ... به

ماینونه د ستمگرو لخوا کرل کیري خو قربانیان یې زیار کښان دي

د افغانستان د زیار کښانو ټولنیز انجمن، په ډیری خواشینې سره خبر تر لاس کړې چې د ننگرهار ولایت په چپرهار ولسوالۍ کې زموږ د زیار کښو کورنیو لس ماشومانې د ماین د چاودنې له امله په شهادت رسیدلي او دوه نور یې ټپیانې دي. د افغانستان د زیار کښانو ټولنیز انجمن د دې ماشومانو د کورنیو سره د خواخوږۍ او ډاډگړنې تر څنګ په دې ویر او ماتم کې ځان له ټولو کورنو او زیار کښو ولسونو سره شریک ګڼي. څه باندې څلور دیرش کاله کیرې چې زموږ زیار کښه ولس او په خاصه توګه میرمنې او ماشومان د ستم، زور، تیري، تجاوز او اشغال قربانیانې دي. په دې موده کې د ولسونو رنگارنگو ستمگرو بهرنیو او کورنیو دښمنانو د ماین په

خاطر دفاع از حقوق خود گرد آمده اند، ضمن اینکه خود را در غم و اندوه خانواده های شهیدان زحمتکش یکاولنگ شریک دانسته و درد آنها را درد تمام زحمتکشان افغانستان می داند، به این باور است که زحمتکشان با اتحاد، اتفاق و وحدت می توانند از رنج و درد، از قتل و کشتار، از آوارگی و دربرداری، از جور و چپاول نجات پیدا کنند و در فضای انسانی با محبت و دوستی در کنار یکدیگر در استقلال و آزادی زندگی نمایند.

انجمن اجتماعی زحمتکشان افغانستان با مردم ستمدیده بامیان و بخصوص ولسوالی یکاولنگ نوزدهم جدی روز قتل عام ۳۵۰ زحمتکش عزیز را گرامی میدارد و بازوی زحمتکشان افغانستان را بخاطر شکستاندن زنجیرهای اسارت، توانا تر و قوی تر آرزو می کند. ★

افغانستان، بدترین محل برای کودکان کارگر

افغانستان از زمره ۴۸ کشور فقیر جهان بشمار می رود و نامناسبترین محل برای اطفال کارگر و زحمتکش بحساب می آید. بنا بر فقر و ناداری اکثر مردم زحمتکش ما، اطفال شان پس از سن ۶ تا ۷ سالگی به کار شروع می کنند و اکثراً به کار های شاقه مثل پلاستیک فروشی، اسپند کردن، موتر شویی، شاگردی مستری خانه ها، هتل ها، نانوائی ها و هزاران کسب شاقه دیگر مشغول هستند. از همین خاطر اطفال زحمتکشان نمی توانند درس بخوانند، تفریح کنند، لباس جدید بپوشند و با همسن و سال خود بازی کنند.

در کشور ما ۶ میلیون طفل از نعمت حتی این خانواده های

عبدالرزاق یکی از ملیون ها انسان

زحمتکش است که باشکلات روزگار دست و گریبان است. وی در یکی از گدام های شهر کابل جوالی میباشد. جان نحیف و لاغر و استخوانی دارد. او

در پهلولی مشکلات بیکاری، فقر، بی سرپناهی، زورگویی وغیره که هزاران زحمتکش وطن ما با آن روبرو هستند، در خانه کرابی زندگی می کند و سرپناه ندارد و دو ماه می شود که کرایه خانه را

۶۰۰ میلیارد دالر برای کشتار ما،

در حالیکه نه میلیون زحمتکش گرسنه و گشنه است، در حالیکه ملیون ها زحمتکش فقیر و نادار خانه و سرپناه ندارد، در حالی که ملیون ها زحمتکش شب و روز برای یک لقمه نان کار می کند، در حالیکه ملیون ها بیکار است، در حالیکه ملیون ها کودک زحمتکش کارهای طاقت فرسا و شاقه انجام می دهد، در حالیکه ملیون ها زحمتکش در کشورهای همسایه آواره است، در حالیکه صدها هزار زحمتکش ما آواره داخلی به حساب می‌رود، در حالیکه ملیون ها زحمتکش پول تداوی خود و کودکان خود را ندارد، در حالیکه ملیون ها زحمتکش زندگی پر مشقت و دردناک دارد، امریکایی ها در ده سال گذشته برای جنگ افغانستان ۶۰۰ میلیارد دالر مصرف

زیار

عبدالرزاق: «غم بالای غم، راه را از پیشم گم کرده است»

نه پرداخته و صاحبخانه ضمن تقاضای کرایه دو ماهه او را از خانه جواب داده است که این کارگر نحیف و لاغر اندام را بسیار نگران ساخته است و حیران مانده است که به کجا برود. عبدالرزاق میگوید:«هرجای که خانه کرائی پالیدم کمتر از هشت هزار افغانی پیدا نشد. از جوالیگری هشت هزار افغانی کجا بدست میاید که مه هشت هزار افغانی کرایه بتم.» او با حالت

۶۰۰ میلیارد دالر برای کشتار ما، این جنایت را محکوم می کنیم!

نسبت به هر سال بیشتر شده می‌رود. برای زحمتکشان هیچ فرقی ندارد که کی ها آنها را می کشند، طالبان یا خارجی ها. زحمتکشان کشور ما جنگ فعلی را جنگ به سود خارجی ها و پولداران داخلی می دانند نه به سود زحمتکشان. زیرا زحمتکشان به خوبی می دانند که امریکا در کنار زحمتکشان بوده نمی تواند و تمام این کشتار برای منافع و فایده خودش است. این واقعیتی است که زحمتکشان خود با قربانی دادن در یازده سال گذشته به آن رسیده اند و هیچ کسی با هیچ دروغی نمی تواند آنها را فریب بدهند. زحمتکشان به خوبی می دانند که هیچ کسی آنها را از ستم و جنایت نجات داده نمی توانند، مگر خود شان و همبستگی شان. مصرف ۶۰۰ میلیارد دالر برای کشتار

شماره یازدهم

از ایستگاه اکادمی پولیس به موتر تونس سوار شده در سیت آ خر نشستم. در چوکی مقابلم دو نفر که یکی دارای قبلند وهیکل قسوی ودیگر آن لاغراندام وضعیف بود، روی موضوعی بحث وگفتگو مینودند، در مقابل آنان بالای ماشین سه طفل (دویسر ویک دختر)نشسته بودند. بحث این دومرد توجه ام را به خود جلب نمود، متوجه شدم که فرد لاغر اندام از ایران آمده است و دو طفل پسر بچه از او میباشد و دختر، مرد قسوی هیکل را پدرجان خطاب مینماید، همان طوریکه از نگاه قد و جسامت میان این دو نفر تفاوت موجود بود از نگاه روانی و لباس پوشیدن هم متفاوت بودند، یکی دارای لباس شیک و روان آرام ودیگری با روان نا آرام و لباس ژول‌ی‌ده که اطفال شان هم دوباره از نزدم نمیگیری. شخص

در عین وضعیت قرار داشتند. دخترک با چهره بشاش و روان آرام وخندان دو سه بار از جا برخاسته و پدر را ماج کرد و بالمقابل پدر هم وی را بوسید، اما دو پسر که سن شان بالاتر از چهار و دو سال حدس زده میشد، با لباس پاره وکنده و روان ناآرام و خواب آلود، گویی چندین شب‌اروز خواب آرام نداشته‌اند بدون حرکت بالای ماشین تونس نشسته بودند.

فرد نسبتاً شیک پوش تاکید می کند که به حوزه میرویم، برایت خط میدهم که هر وقت ییای فرزندان را دیده میتوانی، مانند خانه خود رفت و آمد کرده میتوانی، چند روز را در خانه ما سپری میتوانی و تو هم برایم خط بده که اطفال را دوباره از نزدم نمیگیری. شخص

زیار

زندگی کارگر ، زندگی درد و رنج؛ هم در ایران هم در افغانستان

لاغراندام حاضر به این معامله نمیشود و تاکید می کند که فقط یک کسی پیدا شود تا فرزندانم رابرای مدت نزد خود نگهدارد تا من یکی از اقارب خود را پیدا کنم . فرد نسبتاً شیک پوش از موتر پائین شد و شخص از ایران آمده سرنوشت خود را چنین بیان نمود:«من از اصلاً از پل سعدالای پروان هستم، اما پدرم در زمان داودخان به مزارشریف کوچ نمود و در شرکت کود برق مزار شریف کارگر بود، در شروع جنگ های روسها به ایران مهاجر شدیم و پدرم مثل هزاران کارگر دیگر ، در ایران یک کارگر آواره بود. وقتی کلان شدم من نیز کارگر شدم، از دواج کردم، خانم نیز در ایران کارگری می کرد. زندگی کارگری داشتیم. خانم به خاطر وضعیت خراب

بیوزلو او نادار زیار کنبو گل‌ی او خینی جونگرې په قصبه، پدوله، چهلسټون او نورو سیمو او ولایتونو کې وړانوي او هغوې لا درېدره کوي. دا په خپله ښکاره کوي چې دا دولت د زیار کښانو دولت نه دی، ځکه چې زیار کښانو ته خټین کور هم نه پرېږدي، حال دا چې هغو غاصبینو چې ښارگوټي جوړ کړي دي او د ولس ځمکه یې لوټلی ده، نازوي او د ښارگوټو په افتتاح کې یې د امریکایی او بریتانیایي جنرالان سره یوځای شرکت کوي.

د دې لوټماری سره له یوې خوا او پر بیوزلو انسانانو د جونگرې وړنگول له بلې خوا، زیار کښان دې ته رسیدلي دي چې د اوسني دولت او د هغې خارجي بم اچونکو دوستانو څخه هېڅ تمه ونلري او په خپله د خپل خلاصون لاره پیدا کړي.

جگړه کې زیار کښان ووژل شي، لوټ شي، د زیار کښانو او د هغوې د میرمنو، خویندو او په تیره بیا د ماشومانو د وژنی سلسله به هم دوام ولري. موږ زیار کښان یوازې هغه وخت په رفاه او هوساینه کې ژوند کولای شوو چې د ستم ټغر ټول شي.

د قوس ۲۷ مه - ۱۳۹۱

یکی از مسوولین لوی خارتوالی قرار دارد که برای مراسم عروسی خود ۵۵ هزار دالر امریکایی مصرف کرده است، در حالیکه در آمد روزانهٔ بیش از هفتاد فیصد نفوس کشور ما روزانه یک دالر است و این خود نشان میدهد که در یازده سال گذشته، از بربادی وطن ما که چاق و چله شده و عیش و عشرت می کند.

شماره یازدهم

از ایستگاه اکادمی پولیس به موتر تونس سوار شده در سیت آ خر نشستم. در چوکی مقابلم دو نفر که یکی دارای قبلند وهیکل قسوی ودیگر آن لاغراندام وضعیف بود، روی موضوعی بحث وگفتگو مینودند، در مقابل آنان بالای ماشین سه طفل (دویسر ویک دختر)نشسته بودند. بحث این دومرد توجه ام را به خود جلب نمود، متوجه شدم که فرد لاغر اندام از ایران آمده است و دو طفل پسر بچه از او میباشد و دختر، مرد قسوی هیکل را پدرجان خطاب مینماید، همان طوریکه از نگاه قد و جسامت میان این دو نفر تفاوت موجود بود از نگاه روانی و لباس پوشیدن هم متفاوت بودند، یکی دارای لباس شیک و روان آرام ودیگری با روان نا آرام و لباس ژول‌ی‌ده که اطفال شان هم دوباره از نزدم نمیگیری. شخص

سرمایه داران لوټ او تالان کوي، خو پر زیار کښو بیوزلو کورونه ړنگوي

چې بهرنيانو بمونه غورځول او زیار کښه کورنی یې وژلی؛ لوټمارانو، سرمایه دارانو او دولتي جگو مقاماتو چر چې کولای او د خلکو په لوټولو بوخت وو او لا هم د چور او چپاول څخه لاس په سر شوي نه دي او کیدای هم نشي، ځکه چې بهرنی بم اچونکي دې سرمایه دارانو او خانانو ته ضرورت لري او د یو بل نژدې دوستان او ملگري دي.

په داسې حال کې چې د اولي معلومات پر اساس یو میلیونو دوسوه پنځوس زره جریب ځمکه د وسله والو سرمایه دارانو لخوا لوټ شوی ده او اوسنی دولت ورته هېڅ څه ویلی نشي او نه یې هم وايي، پر

قربانیانې شولې او د خپلو کورونو تر څنګ یې ټول بیوزله زیار کښه انسان په ماتم او خپګان کښنول. د افغانستان د زیار کښانو ټولنیز انجمن د دې خواري کښو ماشومانو د مړینې په ماتم کې ځان شریک ګڼي او باور لري تر څو چې د زیار کښو انسانانو په وړاندې ستم وي، جگړه وي او په دې

مصارف گزاف ...

است که در رده اول پسر یک تاجر با مصرف بیشتر از ۱۲۰ هزار دالر امریکایی قرار دارد، جایگاه دوم را در این رقابت پسر یکی از وزرا از آن خود نموده و با مصرف بیش از ۷۵ هزار دالر امریکایی عروسی پسر خود را جشن گرفته و در رده سوم پسر

شماره یازدهم

از ایستگاه اکادمی پولیس به موتر تونس سوار شده در سیت آ خر نشستم. در چوکی مقابلم دو نفر که یکی دارای قبلند وهیکل قسوی ودیگر آن لاغراندام وضعیف بود، روی موضوعی بحث وگفتگو مینودند، در مقابل آنان بالای ماشین سه طفل (دویسر ویک دختر)نشسته بودند. بحث این دومرد توجه ام را به خود جلب نمود، متوجه شدم که فرد لاغر اندام از ایران آمده است و دو طفل پسر بچه از او میباشد و دختر، مرد قسوی هیکل را پدرجان خطاب مینماید، همان طوریکه از نگاه قد و جسامت میان این دو نفر تفاوت موجود بود از نگاه روانی و لباس پوشیدن هم متفاوت بودند، یکی دارای لباس شیک و روان آرام ودیگری با روان نا آرام و لباس ژول‌ی‌ده که اطفال شان هم دوباره از نزدم نمیگیری. شخص

سرمایه داران لوټ او تالان کوي، خو پر زیار کښو بیوزلو کورونه ړنگوي

تازه راپورونه ښکاره کوي چې په ټول افغانستان کي يو ميليون او دوسوه پنځوس زره جریبه دولتي ځمکه د سرمایه دارانو او شتمنو لخوا لوټ شوی ده. د دې ځمکې ډیره برخه په کابل، کندهار، بلخ، ننگرهار، کندز او هرات کې د هغو کسانو لخوا لوټ شوی چې ورباندې يې ښارگوټي جوړ کړي دي، دا ښارگوټي د هغو سرمایه دارانو او لوټمارانو لخوا جوړ شوي چې د خارجي بم اچونکو او قاتالو سره نژدې ارتباطات لري او اوسنی دولت هم د هغوی خپل دولت دی.

د دې راپور له مخې یوازې په کابل ښار

ماینونه د ستمگرو ...

کېږدي، ځکه چې دا دولت د زیار کښانو دولت نه دی نو ورڅخه د زیار کښانو په اړه فکر کول او غم خوړل هم بی ځایه ښکاري.

په چپرهار ولسوالۍ کې لس ماشومي

افغانستان، بدترین...

نادار و فقیر، اطفال شان را نیز برای خریداری مواد اولیه به فروش برسانند، چنانچه در ماه جدی در ولایت بلخ یک زحمتکش می خواست که به خاطر ناداری و مشکلات مالی، طفل دو ساله اش را با ۲۶ هزار افغانی به فروش برساند.